

راه‌های کاهش تمایل به رفتارهای انحرافی در بین دانش‌آموزان با تأکید بر نظریه هیبرشی

لیلا شهبازی^۱

^۱ کارشناس مشاوره و راهنمایی، دانشگاه ایزد پناه یاسوج، مشاور مدارس، آموزش و پرورش شهرستان رستم

چکیده

هر آسیب‌های رفتاری - اجتماعی از جمله اختلالات و آسیب‌های شایع و ناتوان کننده هستند که برای دانش‌آموز، نوجوان، اولیای مدرسه، معلم و خانواده‌ها مشکلات و معضلاتی را در پی دارد. گسترش انحرافات و بزهکاری در جامعه و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف بخصوص دانش‌آموزان تبدیل به ارزش‌های فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت. در این راستا، هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی راههای کاهش تمایل دانش‌آموزان به رفتارهای انحرافی بر اساس نظریه هیبرشی است. تحقیق حاضر با روش اسنادی - کتابخانه‌ای به مطالعه مسأله‌ی مورد نظر پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر مبنای نظریه پیوند اجتماعی هیبرشی (۱۹۶۹) وقتی نوجوانان و جوانان - دانش‌آموزان - به والدین شدیداً وابسته هستند، متعهد به خط مشی‌های مرسوم عمل باشند، درگیر در فعالیت‌های معمول و مرسوم، و باور و اعتقاد به اعتبار ارزش‌های اخلاقی جامعه (باورهای هنجاری) دارند، احتمال بروز بزهکاری کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، زمانی که پیوند اجتماعی با جامعه‌ی متعارف قوی است، نوجوان را از انحراف ممانعت خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: رفتار انحرافی، دانش‌آموز، هیبرشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آسیب‌شناسی اجتماعی در حوزه آموزش و پرورش و یافتن راهکارهای مناسب جهت رفع آنها از نیازهای ضروری و اساسی هر جامعه‌ای بشمار می‌رود. یکی از اهداف نظام آموزشی در هر کشور تربیت دانش‌آموزانی آماده برای زندگی، دارای رفتار هنجار و اخلاق شایسته است (سلیمی بجستانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). آسیب‌های رفتاری - اجتماعی از جمله اختلالات و آسیب‌های شایع و ناتوان کننده هستند که برای دانش‌آموز، نوجوان، اولیای مدرسه، معلم و خانواده‌ها مشکلات و معضلاتی را در پی دارد (عیسی مراد، ۱۳۹۴: ۱۴۵). دانش‌آموز دارای رفتار نابهنجار، افرادی هستند که در مقایسه با گروه همسالان، رفتارهای مغایر با هنجارهای اجتماعی از خود نشان می‌دهند. شدت و تداوم این رفتارها مانع عملکرد متناسب با استعداد تحصیلی آنان می‌شود (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۴). گسترش انحرافات و بزهکاری در جامعه و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف بخصوص دانش‌آموز تبدیل به ارزش‌های فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت. شیوع روزافزون رفتارهای انحرافی در بین دانش‌آموزان برابر است با هدر رفتن پتانسیل خلاق و سازنده‌ی جامعه و عوارض بسیار نامطلوبی به همراه دارد که جبران آن هزینه‌های فراوانی را می‌طلبد (رحمانی فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸). بر اساس مستندات موجود، بیشترین آسیب‌ها در مقطع متوسطه اول با ۵۰ درصد و مقطع متوسطه دوم با ۳۲ درصد بوده است. همچنین، در پژوهش انجام شده در آموزش و پرورش (۱۳۸۳ - ۱۳۸۲) میزان آمار رفتارهای انحرافی در بین دانش‌آموزان در ارتباط نامشروع، فرار از منزل، ضرب و جرح و درگیری، خودکشی، اعتیاد، مشروب‌خواری و تقلب نسبت به سایر رفتارها، بالاتر بود (عیسی مراد، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مدارس مناسب‌ترین مکان، برای اجرای برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر می‌باشند. زیرا این سازمان اجتماعی و آموزشی با در اختیار داشتن ۱۰۷۰۰۰ واحد آموزشی در کشور، حدود یک میلیون نفر کادر آموزشی، بیش از ۱۳ میلیون نفر دانش‌آموز و ۲۶ میلیون والدین آنها، به عنوان مهمترین پایگاه و کانون حیات اجتماعی - فرهنگی در جامعه تلقی گردیده که با ارایه‌ی آموزش چگونه زیستن و با هم زیستن، قادر است نوجوانان را در عصر حاضر که با گسل‌های جدی در حوزه‌ی فرهنگ و فزونی رفتارهای پرخطر مواجه هستند، آماده نموده و آنها را در برابر رفتارهای انحرافی، مقاوم و ایمن نماید (صرامی، ۱۳۹۷: ۲).

در این راستا، هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی راههای کاهش تمایل دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار بر اساس نظریه پیوند اجتماعی هیرشی است. همچنین تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱- چه عواملی بر گرایش به رفتارهای نابهنجار تأثیر می‌گذارد؟

۲- راهکارهای کاهش تمایل به رفتارهای نابهنجار کدامند؟

مبانی نظری

بزهکاری

اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹، وقتی که اولین قانون بزهکاری جوانان در آلینوس شیکاگو تصویب شد، متداول گشت. تا سال ۱۸۹۹ جوانان و بزرگسالان در یک مجموعه قرار می‌گرفتند و هر نوع مجازات یا برنامه‌ی اصلاح و بازپروری که برای منحرفان بزرگسال اعمال می‌شد برای جوانان منحرف نیز قابل اجرا بود. اما از این زمان به بعد انحراف اجتماعی بر حسب سن افرادی که مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند در دو مقوله‌ی بزهکاری و جرم طبقه‌بندی شد. در نتیجه رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب این رفتارها را بزهکار می‌نامند (احمدی، ۱۳۹۴: ۸). انجمن روان پزشکی آمریکا بزهکاران را به دو گروه سنی تقسیم می‌کند. افراد زیر ۱۸ سال و مبتلا به اختلال سلوک یا اختلال

کارکردی؛ و افراد بالای ۱۸ سال و مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی. از دیدگاه انجمن، مهم‌ترین مشخصه‌ی این افراد، نادیده گرفتن حقوق اساسی دیگران یا هنجارهاست (کرباسی و وکیلان، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

نابهنجاری

برای لغت نابهنجاری معادل‌هایی نظیر غیر عادی‌گری^۱، (بی‌هنجاری و ناسازی^۲، (بی‌سازمانی^۳ و ناپیروی^۴) وضع شده است. آنومی از ریشه نِمِس (قانون) و "آ" (بدون) گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی مانند ناهنجاری و نابسامانی دارد. به طور کلی سه معنای متمایز برای نابهنجاری بر می‌آید:

- ۱- بی‌سازمانی شخصیت آن چنان که فرد، خود را منحرف متمرّد در برابر قانون نشان می‌دهد.
- ۲- شرایط و وضعیتی که در آن هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی، آشتی و سازگاری پدید آورند.
- ۳- وضع یا شرایطی اجتماعی که فاقد هنجار باشد (ابتکاری و احمدی، ۱۳۹۸: ۵).

رفتار نابهنجار

هر جامعه‌ای برای رفتارهای قابل قبول معیارها و هنجارهای معینی دارد؛ رفتاری که از این هنجارها انحراف قابل توجهی داشته باشد، نابهنجار محسوب می‌شود. معمولاً و نه همیشه آمار این گونه رفتارها نیز در جامعه فراوان نیست. ولی اگر انحراف از هنجارهای اجتماعی را معیار تعریف نابهنجاری بدانیم، چندین مسئله‌ای پیش می‌آید: رفتاری که در یک جامعه‌ی خاص بهنجار محسوب می‌شود، ممکن است در جامعه‌ی دیگر نابهنجار باشد. مسئله‌ی دیگر آن است که مفهوم نابهنجاری حتی در یک جامعه نیز در طول زمان تغییر می‌کند و این تغییرات را بیشتر تفاوت‌هایی در سبک زندگی می‌دانند نه علائم نابهنجاری. پس مفاهیم رفتارهای بهنجار و نابهنجار در جوامع گوناگون و نیز در زمان‌های مختلف متفاوت است. هر تعریفی در این باره باید چیزی بیش از پذیرش اجتماعی را دربر داشته باشد.

بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی مهم‌ترین معیار را تأثیر این رفتار بر سلامت فرد یا گروه اجتماعی می‌دانند. طبق این معیار، رفتار اگر غیرانطباقی باشد یا به عبارت دیگر آثار منفی بر فرد یا جامعه داشته باشد، نابهنجار است. بعضی رفتارهای منحرف محل سعادت فرد است (مثلاً شخص الکلی آن قدر مشروب می‌خورد که نمی‌تواند سر کار رود، همچنین زنی که دست به خودکشی می‌زند). برخی دیگر از رفتارهای منحرف به جامعه آسیب می‌رساند (مثلاً نوجوانی که جنجال‌های خشن و پرخاشگرانه براه اندازد، شخص بدگمانی که نقشه‌ی ترور مسئولان مملکتی را می‌کشد). تمامی این رفتارها بر حسب معیار غیر انطباقی بودن، نابهنجار است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۳).

گونه‌های بزهکاری دانش‌آموزان

رحمانی فیروزجاه و همکاران رفتار انحرافی در بین دانش‌آموزان را بیشتر انحراف از نوع ملایم می‌دانند و آنها را شامل: فحاشی، کشیدن سیگار و قلیان، سر به سر هم‌کلاسی گذاشتن، ارتباط با جنس مخالف، گفتن دروغ، دیدن فیلم‌های غیرمجاز، خیانت، ارتباط نامشروع، دزدی، نداشتن احساس مسئولیت در مقابل دیگران، انتقام‌گیری غیر مستقیم، خودارضایی، خودکشی، مشغول

^۱ - Abnormality -

^۲ - Anomaly

^۳ - Anomie

^۴ - Anom

بودن به کارهای حاشیه‌ای (مد لباس، آرایش صورت و ...)، آرایش غیر متعارف، ایجاد مزاحمت برای دیگران، رعایت نکردن قوانین مدرسه، مشاجره و دعوا با دیگران، آوردن تلفن همراه به مدرسه، گوش نکردن به حرف‌های مدیر، معاون و معلم، احساس نفرت از کنترل والدین، پوشیدن لباس‌های خلاف مقررات مدرسه، دیر آمدن به مدرسه، احساس تنفر از کنترل مدیر، معاون و معلم، استفاده از وسایلی که از نظر مدرسه مجاز نیست (انگشتر، گردنبند و ...)، توهین به مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، عصبانیت و پرخاشگری، دیر رفتن به خانه، خراب کردن وسایل مدرسه را شامل می‌شود (رحمانی فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰).

همچنین، علی‌وردی‌نیا و ستاره (۱۳۹۲) بزهکاری در مدارس را در ۵ بعد و ۱۷ معرف تعریف کردند. (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ابعاد بزهکاری دانش‌آموزان در مدارس

ابعاد	معرف
۱. تخریب اموال	نوشتن روی در، دیوار، میز و صندلی مدرسه آسیب زدن یا شکستن وسایل مدرسه نوشتن و نقاشی کردن روی در و دیوار منزل یادگاری نوشتن و آسیب زدن به صندلی اتوبوس آسیب زدن به وسایل و امکانات پارک‌ها
۲. قلدری و خشونت	شرکت در درگیری و نزاع تهدید و ترساندن دیگران
۳. سرقت	برداشتن پول از منزل بدون اجازه والدین برداشتن وسایل دوستان بدون اجازه آنها برداشتن چیزی از فروشگاه بدون پرداخت هزینه آن
۴. تخلفات منزلتی	فرار از مدرسه تقلب در امتحان درسی فرار از مدرسه فرار از منزل بیرون ماندن از منزل به مدت یک شب یا بیشتر بدون اجازه والدین سیگار کشیدن
۵. مصرف مواد	مصرف الکل مصرف مواد مخدر

عوامل موثر بر گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار

موقعیت‌ها - ویژگی‌ها - و عواملی که احتمال گرایش به سمت رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهند بسیار متعدد هستند که برخی از مهم‌ترین عوامل خطرزا در بین نوجوانان و جوانان - دانش‌آموزان - عبارت‌اند از:

- ضعف در کنترل تکانه و هیجان‌های منفی مانند خشم، افسردگی، اضطراب، هیجان‌خواهی بالا، ناامیدی و گوشه‌گیری.
- احساس ناکارآمدی، خودتردیدی و خودپنداره‌ی منفی، عزت نفس پایین، هویت سردرگم، هویت بحران زده، هویت دنباله‌رو، دارای اختلال سلوک و بیش‌فعالی.
- دارای روحیه سرکش و نافرمان.

- بیگانگی با ارزش های مذهبی و اجتماعی.
- دارای سابقه رفتار انحرافی - مصرف مواد یا سیگار، الکل، خشونت، خودکشی و ... - در یکی از اعضای خانواده.
- دلبستگی ضعیف به خانواده.
- عدم نظارت و کنترل فعالانه از سوی والدین بر رفتار فرزند.
- وجود سبک فرزندپروری استبدادی.
- زندگی در مناطق فقیر و نابسامان.
- فقدان امکانات تفریحی سالم در محل زندگی.
- عملکرد تحصیلی ضعیف و سابقه فرار از مدرسه (صرامی، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۶).
- سلیمی بجزستانی و همکاران (۱۳۹۶)، نیز عوامل موثر بر رفتارهای ناهنجار در بین دانش آموزان را در پنج مقوله اصلی و ۳۷ زیر مقوله تصویر نمودند. (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱، عوامل موثر در ناهنجاری های دانش آموزان

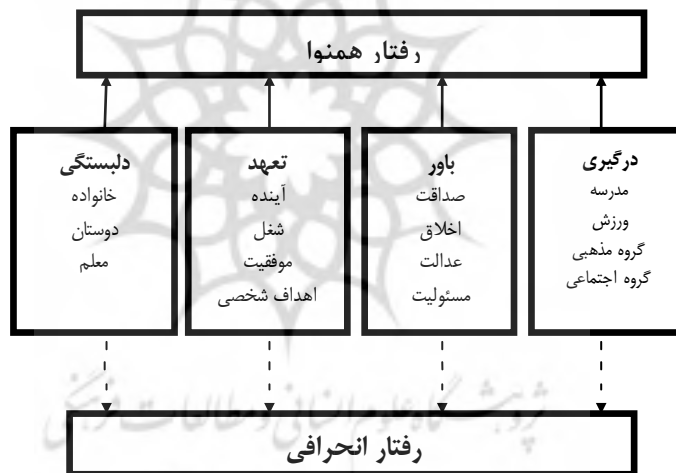
چارچوب نظری

نظریه پیوند اجتماعی هیرشی

تراورس هیرشی از نامدارترین نظریه پردازان کنترل است که نظریه پیوند اجتماعی را مطرح کرد. هیرشی به دنبال دلایل بزهکاری نبود بلکه علاقمند به بررسی دلیل عدم ارتکاب جرم بود. به عبارتی او به دنبال آنچه که مانع رفتار بزهکارانه است بود. او تصدیق کرد که یک نوع سیستم ارزش اخلاقی وجود دارد که مانع ارتکاب رفتار انحرافی می شود. هیرشی (۱۹۶۹) فرض می -

کند که به خاطر تحریک سرخوشی‌ها و لذت‌های فوری از رفتارهای غیر قانونی، همه ما مستعد رفتارهای انحرافی هستیم. آن - چه که در برابر چنین رفتارهایی عمل می‌کند، مکانیسم کنترل اجتماعی غیررسمی مانند والدین، معلمان، و سایر عناصر اجتماعی است. همچنین، به طور خاص مولفه‌های دلبستگی و تعهد را بیان می‌کند که از طریق فرایندهای متفاوت روانشناختی و جامعه‌شناختی، انسان‌ها: الف: پیوستگی و رابطه با افراد معمولی را گسترش می‌دهند ب: درک از آرزوها و انتظارات خود را کسب می‌کنند. هیرشی بر مبنای مدل نظری کنترل اجتماعی ادعا می‌کند، هنگامی که افراد همبسته، متعهد و درگیر عناصر و ابعاد مختلف اجتماعی جامعه هستند و به اهداف معمول و متعارف جامعه اعتقاد دارند، آن‌ها هنجارهای اخلاقی جامعه را درونی می‌کنند و رفتارهای بزهکارانه را به عنوان نقض رفتار اخلاقی می‌دانند. در ادبیات گسترده‌تر، همبستگی اجتماعی، در دلبستگی به پدر و مادر و تعهد به مدرسه و جامعه ظهور پیدا می‌کند. هیرشی معتقد بود کسانی که در بزهکاری شرکت دارند کیفیت دوستی پایین‌تری نسبت به کسانی که از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کنند دارند. او بر این باور است، کسانی که دارای خود کنترلی کم هستند به دنبال دیگرانی که شکل روابطشان شبیه آن‌هاست می‌گردند و این روابط شکننده با کسانی که نیز خودکنترلی کمی دارند شرکت در فعالیت‌های بزهکاری را افزایش می‌دهد. او پیش‌بینی می‌کند، به احتمال زیاد کسانی که دارای خود کنترلی کم هستند مرتکب اعمال بزهکاری می‌شوند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹).

از نظر هیرشی (۱۹۶۹) به طور خاص کنترل اجتماعی شامل چهار بعد: پیوندهای اجتماعی که دلبستگی اجتماعی ایجاد می‌کنند (روابط اجتماعی)، تعهد (پذیرش هنجارهای سنتی)، درگیری (زمان صرف شده در فعالیت‌های معمولی) و اعتقادات (حمایت از قراردادهای اجتماعی) هستند (شکل شماره ۲). (همان: ۸۰).



شکل شماره ۲، ابعاد کنترل اجتماعی از نظر هیرشی

دلبستگی: هیرشی ادعا کرد وقتی افراد به والدین، همسالان و معلمان متصل و همبسته می‌شوند، احتمال کمتری وجود دارد که رفتار بزهکارانه انجام دهند. دلبستگی مربوط به روابط و پیوندهای موثر است که افراد را به طور قابل توجهی با دیگران منطبق می‌کند. محیط خانواده منبع دلبستگی است، زیرا والدین به عنوان الگوهای نقش عمل می‌کنند و رفتار اجتماعی قابل قبول را به فرزندان آموزش می‌دهند.

تعهد: هیرشی تعهد را مربوط به محاسبه‌ی هزینه و سود عواقب اقدامات و عمل‌های متعارف یا غیر متعارف تعهد و درجه - ای که علائق شخصی فرد را به مجموع فعالیت‌های مربوط به اصول اخلاقی جامعه متصل می‌کند می‌داند. به عنوان مثال، شرکت در دانشگاه، داشتن یک کار معتبر می‌تواند به عنوان یک نوع معمول تعهد باشد. در مقایسه با جوانان و افرادی که دارای اهداف مشخص هستند، افرادی که مشغول نوشیدن، سیگار کشیدن، دوست‌یابی و رفتارهای دیگری هستند که به اهداف آینده توجه ندارند، احتمال بیشتری در انجام رفتارهای بزهکارانه دارند (همان: ۸۰).

درگیری: درگیری به مشارکت در فعالیت های متعارف اشاره می کند که منجر به موفقیت و وضعیت اجتماعی با ارزش می شود. کیفیت فعالیت های افراد و ارتباط آن با اهداف آینده در پیشگیری از بزهکاری مهم است. اگر فرد به صرف انرژی و وقت در فعالیت های خاصی مشتاق باشد، به عنوان مثال (کسب شهرت برای چیزی ارزشمند، داشتن یک کسب و کار، به دست آوردن یک مدرک دانشگاهی) این احتمال کمتر وجود دارد که افراد رفتار بزهکاری مرتکب شوند، زیرا فرد درگیر فعالیت های سنتی، برنامه ها، مهلت ها، قرار ملاقات ها و غیره است. بنابراین این فرد زمان برای انجام اعمال بزهکارانه ندارد (همان: ۸۱).

باور: پذیرش اعتبار اخلاقی و سیستم مرکزی ارزش های اجتماعی است. پذیرش قوانین اجتماعی در مرکز نظریه کنترل اجتماعی است، چرا که افرادی که آن را کم اهمیت می دانند، بیشتر احتمال دارد قوانین را بشکنند. هیرشی استدلال می کند که یک مجموعه غالب ارزش ها وجود دارد و حتی مجرمین ممکن است اعتبار این ارزش ها را تشخیص دهند، هر چند که به دلیل روابط ضعیف با نظم اجتماعی غالب، ممکن است به آنها وابسته نباشند. اگر فرد معتقد باشد که نقض قانون، قانون رسمی (قوانین) و قوانین غیررسمی (هنجارهای اجتماعی) اشتباه است، فرد دیگر درگیر در رفتار بزهکارانه نخواهد شد (همان: ۸۱).

روش شناسی

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، از روش اسنادی - کتابخانه ای استفاده شده است.

راه های کاهش تمایل به رفتارهای نابهنجار بر اساس نظریه هیرشی

بر مبنای چارچوب نظری، هیرشی چهار بعد مهم را در کاهش گرایش به سمت رفتارهای نابهنجار در نظر دارد، که توجه به این چهار عامل می تواند زمینه بزهکاری و انحرافات اجتماعی در بین دانش آموزان و جوانان و نوجوانان را کاهش دهد.

۱. همبستگی یا دلبستگی: از نظر هیرشی همبستگی حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می کند. این وابستگی را هیرشی همپایه ای وجدان یا من برتر می داند، مانند وابستگی به والدین، معلم، اقوام نزدیک و دوستان.

دلبستگی دانش آموز به معلم

از نظر هیرشی یکی از راه های مهم جلوگیری از گرایش به سمت انحرافات دلبستگی دانش آموز به معلم است. روابط مطلوب بین معلم و دانش آموز در مدرسه می تواند زمینه ای فراهم بیاورد که دانش آموز با خیال راحت و مبتنی بر اعتماد و دلبستگی، مشکلات شخصی خود را با معلم در میان بگذارد. برخی دانش آموزان به علت مشکلات خانوادگی شاید امکان مشورت با اعضای خانواده ی خود را نداشته باشند و رفتار معلم در رابطه با دانش آموزان باید به سمتی باشد که دانش آموز به این یقین برسد که معلم توانایی درک مشکلات شخصی او را دارد. احساس ایمن بودن در کنار معلم برای دانش آموز، زمینه ای فراهم می رود که با امنیت خاطر می تواند امور شخصی و مهم خود را با معلم در میان بگذارد و از تصمیمات نابجا و یا مشورت با افراد ناباب پرهیز کند. اگر محیط مدرسه - کارکنان، دانش آموزان و فضای مدرسه - یک محیط رضایت بخش برای دانش آموز باشد و دانش آموز احساس لذت داشته باشد، مسیری را طی خواهد کرد که همونوا با ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه خواهد بود. شناخت ویژگی های شخصیتی و اخلاقی دانش آموزان و شناخت خصوصیات اخلاقی متناسب با سن دانش آموزان به معلمان و کارکنان مدارس جهت تعامل مطلوب تر، کمک قابل توجهی خواهد کرد و رفتارهای دانش آموزان برای معلمان قابل پیش بینی تر خواهد بود و معلمان توانایی متناسب سازی رفتار خود با دانش آموزان را کسب خواهند کرد. ضرورت دارد معلمان قبل از معلم بودن - در هر رشته ای - یک روانشناس خوب باشند، تا با توانایی و قابلیت بالاتر فرصت های ارتباطی باکیفیت تری با دانش آموزان ایجاد

کنند. آموزش‌های مشاوره‌ای در مراکز دانشگاه فرهنگیان برای دانشجویان تربیت معلم، به روز کردن کتاب‌های دانشگاه فرهنگیان متناسب با آموزش و پرورش نوین و همچنین، کلاس‌های مشاوره‌ای ضمن خدمت برای معلمان، می‌تواند برخوردهای منطقی‌تری بین معلم و دانش‌آموزان را آموزش دهد و زمینه‌ی دل‌بستگی دانش‌آموزان به مدرسه و معلم را افزایش دهد. افزون بر کنش‌های منطقی و روان‌شناسانه، کنش‌های اخلاقی معلم در کلاس درس - صداقت، شجاعت، بردباری، همدردی، احترام و انصاف - نیز بر افزایش این دل‌بستگی تأثیر بسزایی دارد.

دل‌بستگی به والدین

امروزه تربیت دانش‌آموزانی هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی بدون تعامل مدرسه و والدین امکان‌پذیر نیست. بنابراین، یکی از رسالت‌های مهم آموزش و پرورش که در سند تحول بنیادین نیز ذکر شده است، تعامل و همکاری بیشتر بین مدرسه و والدین است. بنابراین آموزش پرورش می‌تواند با آموزش مهارت‌های رفتاری مناسب با فرزندان به والدین جهت پیشگیری از برخی مشکلات در خانواده که پی‌آمد آن با تأثیرات منفی در مدرسه بر کیفیت رفتار و تحصیل دانش‌آموز خود را نشان می‌دهد، زمینه‌ی تعامل صمیمی و سازنده را بین والدین و فرزندان فراهم آورد. فرزندان باید در خانواده بتوانند به والدین خود اعتماد داشته باشند، به راحتی و بدون ترس در مورد مشکلات خود در یک فضای مبتنی بر احترام گفتگو کنند، در کارهای خصوصی فرزندان دخالت نکنند، استعداد فرزندان خود را بشناسند و سطح توقعات خود را متناسب با شرایط و استعداد فرزندان بروز دهند، در تصمیمات مهم فرزندان را مشارکت دهند. با برگزاری کلاس‌های مشاوره‌ای و آموزش سبک‌های فرزندپروری، امکان ایجاد رابطه‌ی مطلوب، صمیمی و منطقی بین والدین و فرزندان ایجاد می‌شود و قدرت فرزندان با تکیه بر خانواده‌ی مستحکم و استوار افزایش می‌یابد و به راحتی تسلیم انحرافات و کجروی‌ها نخواهند شد.

۲. تعهد به اهداف آینده

دانش‌آموزی که نسبت به ارزش‌های مطلوب جامعه خود تعهد ندارد و نسبت به آینده‌ی خود و خانواده و جامعه بی‌تفاوت است، احتمال گرایش به سمت هنجارشکنی در او افزایش می‌یابد. بنابراین، در مدرسه باید خانواده، شغل، موفقیت و اهداف شخصی و تعهد به آن در رفتار معلمان و کارکنان مدرسه به عنوان الگویی قدرتمند برای دانش‌آموزان نشان داده شود و دانش‌آموزان این تعهدات را در رفتار معلمان خود به وضوح ببینند و از آنها تأثیر بپذیرند. در تحقیقات درسی باید موضوعاتی مبتنی بر تعهدات دانش‌آموزان به آینده‌ی شغلی و دستاوردهایی که در آینده خواهند داشت و اهداف مهم شخصی برای آینده نیز لحاظ شود و پیامدهای مطلوب تعهد به آینده، شغل و موفقیت در کلاس درس مورد تشویق معلمان و مدیران مدرسه قرار گیرد.

۳. مشغولیت و درگیری

بر مبنای تئوری هیرشی، اگر فرد به صرف انرژی و وقت در فعالیت‌های خاصی مشتاق باشد، این احتمال کمتر وجود دارد که افراد رفتار بزهکاری مرتکب شوند. اگر در مدارس آموزش‌هایی جهت برنامه‌ریزی بهتر از زمان و وقت با کمک مشاورین در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد، آنها فرصت کمتری برای حضور در فعالیت‌های بزهکارانه خواهند داشت. شرکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه‌ی مدرسه - نقاشی، رسم نقشه، بازدید از مراکز علمی، فرهنگی، تاریخی، قصه‌گویی، موسیقی، نمایش‌نامه‌نویسی، هنرهای دستی، کاریکاتور، طنز، عکاسی، گزارش نویسی، پرورش گل و گیاه، خلاصه‌نویسی کتاب و فیلم، تحقیق، تهیه روزنامه دیواری، مصاحبه و تهیه گزارش و ... نقش اساسی و مهمی در مشغولیت بیشتر دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و زمینه و فرصت ارتکاب رفتارهای نابهنجار را در آنان کاهش می‌دهد. مدرسه می‌تواند با توجه به ظرفیت‌های موجود خود زمینه‌های بیشتر مشغولیت فرد را ایجاد نماید به طوری که از طریق دبیر ورزش و شناسایی استعدادها و ورزشی دانش‌آموزان، آنان را در فعالیت‌های مورد علاقه و مستعدشان سوق دهد. دبیر پرورشی زمینه‌ی حضور بیشتر دانش‌آموزان در انجمن‌های مذهبی - فرهنگی محله را فراهم سازد. همچنین، دبیران هنر، دانش‌آموزان را متناسب با استعدادشان در حوزه‌های مختلف هنری به

کلاس های مختلف نقاشی، خوشنویسی، موسیقی، نمایش و ... هدایت کند. مشاورین مدرسه نیز می توانند با مشاوره به دانش آموزان و بیان تأثیرات منفی فضای مجازی و بیان خطرات موجود در آن، مشغولیت دانش آموزان را در این زمینه کاهش دهند. در مجموع، هر چه دانش آموز در فعالیتهای ارزشمند و مطلوب و هم‌نوا با ارزش های جمعی جامعه درگیر و مشغول باشد، فرصت ارتکاب بزهکاری در او کمتر خواهد شد.

۴. اعتقاد و باور

هیرشی استدلال می کند که یک مجموعه غالب ارزش ها وجود دارد و حتی مجرمین ممکن است اعتبار این ارزش ها را تشخیص دهند. بنابراین تلاش در جهت تقویت این ارزش ها در نوجوانان و دانش آموزان باعث می شود که این ارزش های مطلوب مانند احترام به قانون، پلیس و ... در فرد نهادینه شود. احترام به قانون، پلیس و مسئولین دولتی، عدالت، صداقت، مسئولیت و ... باید در محتوای کتب درسی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. دعوت پلیس به مدرسه و ایجاد ارتباط نزدیکتر دانش آموزان با آنان زمینه ی احترام متقابل را بیشتر خواهد کرد. هنجارهای موجود و قانون در هر جامعه ای به عنوان یک منبع کنترل قدرتمند است که احتمال وقوع رفتارهای ناپهناجر را کاهش می دهد، بنابراین، احترام هر چه بیشتر افراد به قانون، میزان جرم در جامعه را کاهش می دهد. این احترام و پذیرش قانون، هر چه در سنین پایین تر فرهنگ سازی شود، دوام آن در بطن جامعه طولانی تر خواهد بود. رفتار کارکنان و معلمان مدرسه اگر بر مبنای احترام به قانون، برخورد صادقانه، ایجاد عدالت و احساس مسئولیت باشد، دانش آموز با الگوگیری از این رفتارها، باورها و اعتقاداتش قوی تر خواهد شد و در صورت عدم وجود کنترل رسمی در جامعه نیز، به واسطه ی کنترل درونی و باورهای درونی خود هنجارهای موجود در جامعه را زیر پا نخواهد گذاشت.

نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی راههای کاهش تمایل دانش آموزان به انحرافات اجتماعی و بزهکاری با تأکید بر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی است. با توجه به پایین آمدن سن انحراف و افزایش میزان بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان تحقیق حاضر ضرورت دارد. چنین تحقیقاتی می تواند از آن جهت که مدارس را به واسطه ی اینکه اکثر نوجوانان و جوانان در مدرسه مشغول هستند و همچنین آموزش متمرکز و رسمی بر روی آنها در حال انجام و اجراست و مناسب ترین مکان، برای اجرای برنامه های پیشگیری از رفتارهای پرخطر می باشند، حایز اهمیت است. رفتار انحرافی در بین دانش آموزان را بیشتر می توان انحراف از نوع ملایم دانست و آنها: فحاشی، کشیدن سیگار و قلیان، ارتباط با جنس مخالف، گفتن دروغ، دیدن فیلم های غیرمجاز، ارتباط نامشروع، دزدی، خود ارضایی، آرایش غیر متعارف، رعایت نکردن قوانین مدرسه، مشاجره و دعوا با دیگران، آوردن تلفن همراه به مدرسه، گوش نکردن به حرف های مدیر، معاون و معلم، احساس نفرت از کنترل والدین، پوشیدن لباس های خلاف مقررات مدرسه، دیر آمدن به مدرسه، استفاده از وسایلی که از نظر مدرسه مجاز نیست (انگشتر، گردنبند و ...)، توهین به مدیر، معاون و معلم، ریختن آشغال در مدرسه، عصبانیت و پرخاشگری، دیر رفتن به خانه، خراب کردن وسایل مدرسه را شامل می شود (رحمانی فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰).

نظریه ی پیوند اجتماعی هیرشی رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه ی کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل های شخصی و درونی می داند؛ بنابراین ناپهناجاری و بزهکاری و جرم، از یک سو، محصول عوامل فردی کنترل نظیر خود پنداره ی منفی، ناکامی، روان پریشی و اعتماد به نفس پایین است، و از سوی دیگر، نظام های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۸۶). هیرشی معتقد است که مکانیزم کنترل اجتماعی غیررسمی افراد را از نقض هنجارها و قواعد جمعی جامعه نگه می دارد و با پیوستگی و اتصال به نهادهای اجتماعی سنتی مانند (خانواده، شغل، آموزش، روابط پایدار) می تواند رفتارهای مجرمانه را کاهش داد. هیرشی (۱۹۶۹) فرض می کند که به خاطر تحریک سرخوشی ها و لذت های فوری از رفتارهای غیر قانونی، همه ما مستعد رفتارهای انحرافی هستیم. آن چه که در برابر چنین رفتارهایی عمل می کند، مکانیسم کنترل

اجتماعی غیررسمی مانند والدین، معلمان، و سایر عناصر اجتماعی است. از نظر هیرشی (۱۹۶۹) به طور خاص کنترل اجتماعی شامل چهار بعد: پیوندهای اجتماعی که دلبستگی اجتماعی ایجاد می‌کنند (روابط اجتماعی)، تعهد (پذیرش هنجارهای سنتی)، درگیری (زمان صرف شده در فعالیت‌های معمولی) و اعتقادات (حمایت از قراردادهای اجتماعی) هستند.

به طور خلاصه هیرشی (۱۹۶۹) اظهار داشت که وقتی افراد به والدین شدیداً وابسته هستند، متعهد به خط مشی - های مرسوم عمل باشند، درگیر در فعالیت‌های معمول و مرسوم، و باور و اعتقاد به اعتبار ارزش‌های اخلاقی جامعه (باورهای هنجاری) دارند، احتمال بروز بزهکاری کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، زمانی که پیوند اجتماعی با جامعه‌ی متعارف قوی است، افراد را از انحراف یا جنایت ممانعت خواهد کرد اگر فرد معتقد باشد که نقض قانون، قانون رسمی (قوانین) و قوانین غیررسمی (هنجارهای اجتماعی) اشتباه است، فرد دیگر درگیر در رفتار بزهکارانه نخواهد شد.

منابع

- ابتکاری، محمد حسین؛ احمدی، سیروس. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی پتانسیل رفتارهای نابهنجار با تأکید بر نظریه فشار عمومی آگنیو (مورد مطالعه: نواحی شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد)، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۲، ص ۲۲-۱.
- احمدی، حبیب. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی انحرافات. چاپ هفتم. تهران: نشر سمت.
- اتکینسون، ریتا ال؛ اتکینسون، ریچارد سی؛ اسمیت، ادوارد ای (۱۳۸۴). زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه: حسن رفیعی؛ مرسته سمیعی؛ محسن ارجمند. چاپ پنجم، تهران: انتشارات ارجمند، جلد دوم.
- احمدی، سیروس؛ ابتکاری، محمد حسین؛ بوستانی داریوش (۱۳۹۷). تبیین اثر کنترل اجتماعی بر شکل‌گیری پتانسیل رفتارهای نابهنجار (مورد مطالعه: نواحی شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد)، فصلنامه امنیت اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۵۷، ص ۱۰۱ - ۷۳.
- رحمانی فیروزجاه، علی؛ عباسی اسفنجیر، علی اصغر؛ موسوی‌زاده، ربابه. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه شهر بهشهر در سال تحصیلی ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲. سال ششم، شماره بیست و یکم، ص ۹۸ - ۶۷.
- سلیمی بجستانی، حسین؛ محمدی جلالی فراهانی، مجتبی؛ دلاور، علی؛ فرحبخش، کیومرث؛ معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان: تحقیق کیفی. مطالعات ناتوانی، شماره ۷، ص ۶ - ۱.
- شاطریان، محسن؛ اسمی جوشقانی؛ زهرا؛ نوریان آرانی، فهیمه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان؛ مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره سوم، ص ۱۳۵ - ۱۲۳.
- صرامی، حمید. (۱۳۹۷). آشنایی با روش‌های توانمندسازی و پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، بسته آموزشی، ویژه معلمان، والدین و دانش‌آموزان.
- عیسی مراد، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای آسیب‌شناسی رفتاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۹، شماره ۳۱، ص ۱۴۴ - ۱۵۵.
- کرباسی، منیژه؛ وکیلان، منوچهر. (۱۳۸۹). مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر. تهران: انتشارات پیام نو، چاپ اول.